

درباره تصحیح شبرنگ‌نامه

ستایش دشتی

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی
Setayesh.dashti96@gmail.com

تاریخ کتابت این نسخه مشخص کنند یا نه، اما در بخش روش تصحیح ذکر کرده‌اند که کهن‌ترین نسخه شبرنگ‌نامه به حدود قرن یازدهم هجری تعلق دارد.

اصلی‌ترین ملاک‌های این تصحیح، بر اساس آنچه در بخش «روش تصحیح» مقدمه آمده است، یکی «قاعده ضبط دشوارتر» است و دیگری «تصحیح قیاسی در جاهای لازم». هر دوی این ملاک‌ها در تصحیح چنین متنی بسیار کارآمدند، ولی توجه به ویژگی‌های نسخه‌ها، می‌تواند مصحح را به یافتن ملاک‌های دیگری در تصحیح راهنمایی کند. هر کدام از این ملاک‌ها، چه آنها که اصول پایه‌ای هر تصحیح‌خند و چه آنها که اقتضای نسخه‌ها و ویژگی‌های خود متن هستند، باید در تصحیح هر متنی به صورت جداگانه اعتبارسنجی شوند و مصحح در هر مورد با توجه به اولویت ملاک‌ها، توجیهاتی برای تغییر ضبط‌ها به هم پیدا کند و ضبط اصیل را بیابد. نگارنده با بررسی ضبط‌های متن، مواردی یافته است که ضبط متن بر اساس شیوه پیش گفته مصححان اختیار نشده است؛ همچنین ملاک‌های دیگری را مشخص کرده است که بر اساس آنها می‌توان ضبطی مرجح بر ضبط فعلی متن پیشنهاد داد.

توافق نسخه‌های غیرخویشاوند

از پنج نسخه شبرنگ‌نامه، دو نسخه آ و ل از یک خانواده و

شبرنگ‌نامه. از سراینده‌ای ناشناس. به تصحیح ابوالفضل خطیبی، گابریله وان دن برگ. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن، ۱۳۹۵.

شبرنگ‌نامه یکی از منظومه‌های پهلوانی‌ای است که بر اساس شخصیت‌ها و اتفاقات شاهنامه فردوسی و به تقلید از آن سروده شده‌اند. تا پیش از پژوهش‌های گابریله وان دن برگ و ابوالفضل خطیبی، آگاهی‌های ما از این متن محدود به نوشته شارل ریو در معرفی نسخه‌ای از شاهنامه بریتانیا بود (خطیبی، ۱۳۹۵: بیست‌ودو). بعد از پژوهش‌های وان دن برگ و خطیبی درباره نسخه‌ها و داستان شبرنگ‌نامه، این دو پژوهشگر این متن مهم در پژوهش‌های حماسی و زبانی را تصحیح کردند. متن شبرنگ‌نامه در زمستان ۱۳۹۵ توسط بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و انتشارات سخن منتشر شد. پس از انتشار متن، مقاله‌ای در مجله آینه میراث در باب ویژگی‌های اساطیری و ادبی شبرنگ‌نامه (غفوری، ۱۳۹۵) انتشار یافت که گویا پیش از چاپ متن نگارش شده بود.

مصححان در تصحیح این متن از پنج نسخه استفاده کرده‌اند که کهن‌ترین آنها (نسخه ل) پیش از سال ۱۰۶۲ کتابت شده است. آنها اشاره نکرده‌اند که آیا ویژگی‌های ظاهری یا متنی نسخه می‌تواند محدوده دقیق‌تری را برای

که دارد به میدان کین پای تو؟
به‌نام‌ایزد آن یال و بالای تو (۲۴۷۲/۲۰۴)

ب، م: برز؛ آ: قد؛ متن = ل، ن.

با این حال موارد دیگری در متن شبرنگ‌نامه وجود دارد که توجه به این ملاک در آنها اصالت ضبطی متفاوت از ضبط برگزیده مصححان را تأیید می‌کند:^۲

۱. سر زنده‌پیلان به زخم عمود شکستی، برآوردی از نیل دود! (۴۷/۵)

ل، ب، ن: پیل؛ متن = م؛ [آ: بیت را ندارد].

نسخه‌م که مصححان آن را کم‌اعتبارترین نسخه موجود دانسته‌اند (پیشگفتار، هفتاد) احتمالاً برای پرهیز از تکرار و ایجاد تناسب میان نیل و دود، ضبط نسخه‌های دیگر را تغییر داده است.

۲. بیوشید دیبای رومی به‌زر^۳
میان را بیست او به زرین‌کمر (۳۷۸/۳۱)

ل، ن: میان بست و گردش کرامی کهر (گردش گرامی گهر؟)؛ ب: بسته کرد [گرد؟]؛ گرامی کمر؛ متن = م.

به‌نظر می‌رسد ضبط اصیل همان صورتی است که دو نسخه غیرهمگروه ل و ن بر آن توافق دارند و ب نیز آن را تأیید می‌کند. نسخه م نیز احتمالاً آن را نفهمیده و تغییر داده است. حدس مصححان در مورد صورت صحیح این مصرع احتمالاً درست است و با این صورت، مصراع چنین معنی می‌شود: میان را بست و گرد میان گرامی گهر بست.

۳. همانا که در گردش چرخ و شید
یکی دیو نبود چو دیو سپید (۶۰۷/۵۰)

همه نسخه‌ها به‌جز آ: چرخ شید.

با توجه به این که ل نیز با نسخه‌های دیگر توافق دارد، ظاهراً ضبط اکثریت نسخ درست است. شاید نسخه آ متوجه نشده است که چرخ شید به معنی «فلک خورشید» است، و دو جزء

۲. در بعضی از ابیات، قرائن دیگری نیز برای تأیید ضبط پیشنهادی نگارنده وجود دارند که در بخش‌های دیگر مطلب حاضر هم می‌گنجند، اما برای پرهیز از تکرار تنها در همین بخش آمده‌اند.

در ادامه مقاله شماره‌گذاری‌های متن تنها برای جدا کردن بخش‌های مرتبط است و زیر بعضی شماره‌ها بیش از یک بیت تصحیح شده است.

۳. به‌زر یعنی «زراندود» که در متن به‌اشتباه با فاصله کامل آمده است.

۴. حدس نگارنده.

سه نسخه ب، ن و م از خانواده دیگری هستند (پیشگفتار، هفتاد). به‌نظر می‌رسد در تصحیح متنی با این ویژگی، زمانی که ضبط نسخه‌ای از یک خانواده، ضبط نسخه‌های خانواده دیگر را تأیید می‌کند، این ضبط را باید مرجح بر ضبط‌های دیگر دانست، مگر آنکه با قرائنی خلاف این نکته ثابت شود. به‌طور کلی وقتی ثابت می‌شود که نسخه‌هایی از یک خانواده و دارای یک مادر نسخه هستند، توافق آنها بر سر یک ضبط ارزش چندانی ندارد. زمانی که دو نسخه غیرخویشاوند بر یک ضبط توافق دارند، احتمالاً این ضبط، ضبط اصیل و دست‌نخورده است؛ زیرا احتمال اینکه دو نسخه غیرخویشاوند ضبطی را دقیقاً به یک شکل تغییر دهند چندان زیاد نیست (خطیبی خود پیشتر به اهمیت این ملاک در تصحیح متن اشاره کرده است؛ نک. خطیبی، ۱۳۹۴: ۲۷). در متن مصحح شبرنگ‌نامه ابیاتی یافته می‌شوند که اصالت ضبط برگزیده مصححان در آن ابیات، از طریق معیار پیش‌گفته تأیید می‌شود؛ اگرچه گویا مصححان با توجه به ضبط دستنویس اساس خود (نسخه ل) این صورت‌ها را به متن آورده‌اند:

نخستین زبانم به پیمان اوست
همه شهر مازندران زان اوست (۲۱/۳)

ب، م: کنون؛ متن = ل، ن؛ [آ: بیت را ندارد].

به بیژن چنین گفت کای نیک‌یار
یکی هفته شادی کن و می‌گسار (۵۷۰/۴۷)

ب، م: ای نامدار؛ آ: ای نیک‌رای؛ متن = ل، ن.

جدا از اینکه قافیه در آ به‌کلی عوض شده است، ترجیحی بین دو ضبط دیگر وجود ندارد. تأیید دو نسخه غیرخویشاوند اصالت ضبط متن را تأیید می‌کند.

بفرمود تا سرکش‌سوی جنگ
بدان کینه جستن نسازد درنگ (۱۴۳۵/۱۱۸)

ل: بسازد؛ آ: نیارد؛ م: ندارد؛ متن = ب، ن.

در اینجا نیز ضبط نسخه ل، ضبط دو نسخه از گروه دیگر را تأیید می‌کند.

۱. ارجاعات به متن شبرنگ‌نامه به «شماره صفحه/ شماره بیت» بازمی‌گردند.

ترکیب را جدا پنداشته است. از آنجا که در ابیاتی از شاهنامه که چرخ شید آمده است هیچ نسخه‌ای «چرخ و شید» ندارد (نک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۴۰/۱، ۲۵۲/۴، ۱۴۴/۶) احتمال اینکه این ضبط از نسخه‌های متأخر شاهنامه، بر اثر تقلید سراینده از آن، وارد شبرنگ‌نامه شده باشد نیز رد می‌شود.

۴. هم‌اکنون من از کینه پیلگوش
 به خاک اندرآرم ترا یال و دوش (۶۸۱/۵۷)
 ل، ن، آ: گوش؛ متن = ب؛ [م: بیت را ندارد].

به جایی سر و یال اسپان نگون
 به جایی سر و دوش گردان به خون (۱۱۵۱/۹۶)

ل: یال؛ ب، م، آ: گوش؛ متن = ن.
 ابیاتی از شاهنامه فردوسی و فرامرزننامه اول - متنی که نسخه‌های شبرنگ‌نامه شامل آن نیز هستند - درستی ضبطی را که نسخه‌های غیرهمگروه بر آن توافق دارند نشان می‌دهند:

پراگنده شد دانش و هوش من
 به خاک اندرآمد سر و گوش من
 (فردوسی، ۱۳۸۹: ۳۵۷/۴۴۴/۲)

نسخه‌های کهن شاهنامه، به جز لندن و سن ژوزف این ضبط را تأیید می‌کنند.

همه دشت کین بدسر و یال و گوش
 برآمد به گردون به یک ره خروش
 (فرامرزننامه: ۹۸۵/۱۲۲)

نسخه‌ها در اینجا اختلافی ندارند.

گویا در متن شبرنگ‌نامه، همانند شاهنامه، کاتبان بعضی نسخه‌ها ضبط گوش را نادرست پنداشته‌اند و تغییرش داده‌اند؛ اما شواهد متون دیگر و توافق نسخه‌های غیرهمگروه این ضبط را تأیید می‌کند.

۵. اگر دیو پیش آمد ار آدمی
 دل زال از وی کجا شد غمی؟! (۹۵۹/۷۹)

ب، ن، آ، م: رستم؛ متن = ل.
 ظاهراً ضبطی که بر اساس توافق نسخه‌های غیرخویشاوند (و به‌طور کلی توافق اکثر نسخ) تأیید می‌شود اصیل است. گویا کاتب

ل الثفات بیت را متوجّه نشده و بر اساس بیت‌های قبلی که صحبت از زال است، بیت را تغییر داده است.

۶. فرامرز یل دید در در رزمگاه
 که بود اندر آن دشت آوردخواه (۱۰۶۷/۸۹)

همه نسخه‌ها جزم: آوردگاه.

به نظر می‌رسد توافق نسخه‌های غیرهمگروه باز هم ضبط اصیل را نشان می‌دهد. نسخه جدید و کم‌اعتبار م برای رفع عیب قافیه، واژه را تغییر داده است؛ در حالی که ایطای جلی باز در شبرنگ‌نامه سابقه دارد و خود مصححان در مقدمه به آن اشاره کرده‌اند (چهل و نه).

۷. رسیدند گردنکشان فوج فوج
 چو دریا که بادش درآرد به موج (۱۵۰۱/۱۲۳)

ل، ب، آ، م: ز گردان (م: گردون) در (ل: بر) افتاد هامون
 به موج؛ متن = ن. * ل، ب، م: برد فوج فوج؛ آ: زند
 فوج فوج؛ متن = ن.

توافق نسخه‌های غیرهمگروه و به‌طور کلی تر توافق اکثریت نسخه‌ها بر ضبط «ز گردان در افتاد هامون به موج» و «برد فوج فوج»، می‌تواند علت خوبی برای اختیار این دو ضبط باشد. ن ممکن است معنی روشنی از ضبط در نیافته باشد، یا خواسته باشد از تشابه معنایی این بیت با مصراع اول بیت بعد (ز دو رویه گردان برآمد غریو) بکاهد. به هر شکل، صورتی که بر اساس اصول تصحیح صورت اصیل بیت می‌نماید «ز گردان در افتاد هامون به موج/ چو دریا که بادش برد فوج فوج» است، مگر اینکه مصححان علت دیگری برای اختیار ضبط یکتای ن داشته باشند که اینجا معلوم نیست.

۸. خروش یلان تا به کیوان رسید
 فراسان به نزد قراخان رسید (۱۵۴۰/۱۲۶)

ل، ب، ن، م: سوی؛ متن = آ.

از آنجا که حرف اضافه «به سوی» در اکثر موارد جهت را نشان می‌دهد، احتمالاً کاتب آ متوجّه دلالت‌های دیگر آن نشده و ضبط را دگرگون ساخته است. «[به سوی کسی] / جایی رسیدن» در متون شواهد متعددی دارد، از جمله در فرامرزننامه اول این بیت را بی نسخه بدل می‌بینیم:

خرامان به‌سوی بیابان رسید
ز دیده‌های دیده‌بانش بدید
(فرامرزنامه: ۴۷۰/۸۵)

در شاهنامه نیز این کاربرد را می‌بینیم. به‌طور مثال:

چو که‌تر پسر سوی بابک رسید
به دشت آمد و سرشبان را بدید
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۹۵/۱۴۰/۶)

این کاربرد جایی دیگر از شبرنگ‌نامه هم وجود دارد که به حاشیه رانده شده است:

چو آتش به‌سوی فراسان دوید
برو نعره زد، تیز خنجر کشید (۱۵۵۳/۱۲۷)

ب، ن، آ، م: رسید؛ متن = ل.

گویا اینجا نسخه‌ل همان اشتباهی را مرتکب شده که آدر بیت پیش‌گفته مرتکب شده بود. از آنجا که این دو نسخه از یک خانواده هستند، احتمالاً مادر نسخه آنها ضبط اصیل متن را داشته است و این دو نسخه هر کدام در جایی آن را تغییر داده‌اند.

۹. که را بخت یاور بد و چرخ پشت
برون جَست از آن کارزارِ درشت (۱۶۱۳/۱۳۲)

ل، ن، آ: بود چرخ؛ ب: چرخ یاور بود بخت؛ متن = م.

ضبط نسخه‌های کهن‌تر و توافق نسخه‌های غیرهمگروه نشان می‌دهند که احتمالاً کاتب م نتوانسته است صورت درست بیت را بفهمد و تغییرش داده است. این صورت خالی از غرابت نیست، زیرا مصراع اول فعل مضارع دارد و مصراع دوم ماضی و زمان کلی کلام ماضی است. اما توافق غالب نسخه‌ها بر «بود» نشان می‌دهد این صورت اصیل است. به‌طور کلی در چنین مواردی که بیشتر نسخه‌ها (از جمله قدیم‌ترین‌ها) ضبطی را تأیید می‌کنند که غریب می‌نماید و مشابهش در متون دیده نمی‌شود، انتخاب ضبط نسخه منفردی که ضبطی منطقی و سراسر است دارد درست نیست. اگر تنها یک یا دو نسخه ضبطی غریب را تأیید می‌کردند می‌شد آنها را نادیده گرفت، اما در چنین وضعیتی احتمالاً کاتب آن نسخه منفرد خواسته غرابت متن را بزاید و بنابراین تغییرش داده است. متونی از قبیل شبرنگ‌نامه بیش از آنکه متن‌هایی ماهرانه، چارچوب‌مند و پخته باشند، به تقلید از متنی دیگر سروده

شده‌اند. شاعرانشان عموماً دانشمند و فرهیخته نیستند و جز متونی تقلیدی شعری از ایشان باقی نمانده است. بنابراین وجود کاربردهای خلاف قیاس، نادرست یا بی‌شاهد در این متون عجیب نیست. وقتی نسخه‌ها این موارد را تأیید می‌کنند اختیار ضبط نسخه‌ای منفرد که احتمالاً متن را تصحیح کرده ما را از آنچه شاعر در حقیقت سروده است دور خواهد کرد.

۱۰. سرش را ز تن در زمان دور کرد
وزو کرگسان را یکی سور کرد (۱۸۸۵/۱۵۵)

ل، ب، م: ورا ماتم و کرگسان سور کرد؛ آ: تنش سور کردند بر کرگسان؛ متن = ن.

ظاهراً ضبطی که ل بر آن باب و م توافق دارد ضبط اصیل است. ماتم اینجا احتمالاً به معنی مجلس سوگ است (نک. لغت‌نامه‌زیر ماتم) و تقابل ماتم و سور نیز در متون فارسی بسیار تکرار می‌شود. صورت ن بسیار شبیه به یکی از ابیات شاهنامه است:

همانگه سرش را ز تن دور کن
وزو کرگسان را یکی سور کن
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۴۳/۴۰۶/۲)

در جاهای دیگری از متن شبرنگ‌نامه نیز کاتب ن متن را شبیه به شاهنامه کرده است؛ برای مثال:

به‌ویژه که از زال دارد نژاد
ز داور بسی آفرین بر تو باد! (۲۷۷۶/۲۲۹)
ل، آ، م: بخاصه؛ ب: بخواصه؛ متن = ن.

قید «به‌ویژه» از جمله ساخت‌های است که شواهد اندکی، جز در شاهنامه فردوسی، دارد و بر اساس بررسی نگارنده، انگشت‌شمار در متون کهن، جز شاهنامه، به کار رفته است. به نظر می‌رسد اینجا نیز ضبطی که عمده‌نسخ بر آن توافق دارند ضبط اصیل است و ن تلاش کرده که متن را به شاهنامه نزدیک‌تر کند. «به‌خاصه» باز هم در شبرنگ‌نامه دیده می‌شود (۲۸۱۳/۲۳۲)؛ که تشدید آن زائد است).

در بیت زیر باز شاهی از این تمایل ن وجود دارد:

چو فردا برآید خور از تیره‌کوه
بسازیم جنگی همه هم‌گروه (۲۵۰۵/۲۰۷)
ل، آ، م: ولی چون درآید (م: برآید)؛ متن = ن.

هم ضبط ن و هم ضبط اکثر نسخ واضحند و علتی برای تغییر

یکی به دیگری دیده نمی‌شود. گویا کاتب ن این بیت شاهنامه را در نظر داشته است:

چو فردا برآید ز کوه آفتاب
 کنم زین حصار تو دریای آب

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۸/۳، ۵۲۳/۱)

۱۱. مکوب آهن سرد و لشکر مساز
 چو خواهی که بینی رخم نیز باز (۱۹۳۰/۱۵۹)

ل: هیچ باز؛ ب: زنده باز؛ ن: نبینی ز غم هیچ ناز؛
 متن = آو م.

با توجه به اینکه مصححان خود در مقدمه دستنویس‌های آو م را از نظر اعتبار در رده‌های آخر قرار داده‌اند و آنها را آخرین نسخه‌های اساس تصحیح دانسته‌اند، معلوم نیست چرا ضبط «هیچ باز» را اختیار نکرده‌اند؛ ضبطی که هم نسخه‌ی اساس (= ل) و هم نسخه‌ای غیرهمگروه با اساس تأییدش می‌کنند. «هیچ» در اینجا قید است که باعث تقلیل معنایی جزئی می‌شود که آن را مقید کرده است. آن جزء در اینجا فعل «دیدن» است. این کارکرد معنایی «هیچ» در متون فارسی کمتر از «نیز» به چشم می‌خورد و از همین روی گشتگی آن در نسخه‌های جدیدتر توجیه‌پذیر است.

۱۲. تو گر کهنتری من جهان‌دیده‌ام
 بسی سرد و گرم از جهان دیده‌ام

نه آیین و نه رسم شیران بود
 نه زین سان تمیز دلیران بود (۲۱۶۹/۱۸۰، ۲۱۷۰)

ب، ن، آ: پس جهان‌دیده‌ای؛ م: بس جهان‌دیده‌ای؛
 متن = ل. * ب، ن، آ، م: جهان دیده‌ای؛ متن = ل. *
 ن، آ: نگر کین (آ: این) ره و؛ م: بگو کین ره و؛ متن = ل.

ضبط پیشنهادی نگارنده این است:

تو گر کهنتری بس جهان‌دیده‌ای
 بسی سرد و گرم از جهان دیده‌ای

۱. یکی دیگر از مواردی که کاتب ن ضبط‌های متن شبرنگ‌نامه را به شاهنامه نزدیک ساخته است، آن است که در تمام متن، «کاووس» را که /kāvūs/ خوانده می‌شود، به صورت «کاووس» آورده است. مصححان نیز بر اساس ضبط یکتای ن، همین صورت را برگزیده‌اند. نگارنده معتقد است که این صورت، یا تقلیدی از متن شاهنامه است یا یک صورت املائی ویژه نسخه ن (که برای اثبات هر یک، باید متن‌های دیگر این نسخه را بررسیید) و در هر کدام از این حالت‌ها، اختیار آن در شرایطی که دیگر نسخه‌ها تأییدش نمی‌کنند در دست نیست.

نگر کین ره و رسم شیران بود؟
 نه زین سان تمیز دلیران بود

احتمالاً ل ضبط نسخه‌های ب، ن و آ را در مصراع اول داشته و چون معنی آن را در نیافته، بیت را تغییر داده است؛ سپس ناگزیر برای حفظ پیوند دو بیت، بیت بعدی را هم دگرگون کرده است. اگر نسخه‌های دیگر می‌خواستند ضبط یکتای ل را تغییر دهند، نیازی به تغییر ضبط بیت دوم نبود و ارتباط منطقی دو بیت به آن شکل حفظ می‌شد (تو گر کهنتری بس جهان‌دیده‌ای/ بسی سرد و گرم از جهان دیده‌ای - نه آیین و نه رسم شیران بود...؛ پس احتمالاً صورتی که در متن فعلی شبرنگ‌نامه است صورت اولیه و اصیل بیت نیست. از آنجا که آ هم ضبطی کاملاً مشابه نسخه‌های گروه دیگر دارد، این احتمال که دو گروه نسخه‌ای دو صورت کاملاً متفاوت داشته باشند و هیچ‌کدام از این صورت‌ها به صورت مستقیم گشته صورت دیگر نباشند نیز رد می‌شود. تبدیل «بس» به «پس» در نسخه‌های یادشده و ساخت «بس... بسی» در بیت دیگری نیز دیده می‌شود:

بس آباد ایران^۲ شود سوخته
 بسی خان و مان آتش افروخته (۲۱۸۴/۱۸۱)

ل، ب، ن، آ: پس؛ متن = م.

در متن شبرنگ‌نامه موارد دیگری نیز وجود دارد که بر اساس این ملاک، بهتر است در آنها ضبط نسخه‌های غیرخویشاوند را برگزید، یا بر اساس ضبط‌های مشابه نسخه‌های غیرخویشاوند صورتی جز از آنچه در متن آمده است را انتخاب کرد (برای مثال نک. ۱۵۵۱/۴۵، ۵۲۷/۵۲، ۶۲۷/۷۹، ۹۴۹/۷۹، ۱۰۸۲/۹۰، ۱۱۷۲/۹۸، ۱۵۳۴/۱۲۶، ۱۶۹۷/۱۳۹، ۱۷۳۰/۱۴۲).

تصحیف

۱. دگر آنکه این دیو در دشت کین
 به مردی نهی پشت او بر زمین (۱۶۳/۱۵)

ل، ن: اگر؛ متن = ب، م * ل، ب، م: زانکه؛ [متن = ن].

در جاهای دیگری از متن (برای مثال در ۲۴۳/۲۱ و ۹۲۷/۷۷) ل و ن در ابتدای بیت «اگر» دارند و م و ب «وگر». با توجه به اینکه

۲. در متن «آباد ایران» نوشته شده است که معنای بیت و تناظر دو مصراع را دچار مشکل می‌کند.

را نسخه‌های ل و آنیز تأیید می‌کنند. معنی صورت پیشنهادی نیز روشن تر می‌نماید.

۴. سر خُرد را کو کلاه بزرگ
بیخشی، بیچد چو شوریده‌گرگ (۲۲۵۲/۱۸۶)

ن: گر؛ متن = ل [آ، ب، م بیت را ندارد].

ضبط متن صورت درستی ندارد و نمی‌توان از نظر دستوری آن را مرتب کرد. احتمالاً «کو» در اینجا تصحیف «گر» است و ضبط ن اصیل است.

۵. چنین گفت رستم که هرچ آن شگفت
شود آشکارا، نشاید نهفت (۲۷۴۲/۲۲۶)

ل، ب، آ، م؛ باشد؛ متن = ن: هر چه آن.

«باشد» احتمالاً تصحیف «باشه» است.^۱

شکلی از برتری ضبط دشوار

در ضبط‌های نسخه ل، در بسیاری مواقع صامت پایانی هجای کشیده از تقطیع می‌افتد؛ پدیده‌ای که در متون فارسی کهن بی سابقه نیست و معروف‌ترین نمونه‌هایش نیز ابیاتی از قصیده «مادر می» رودکی‌اند. تعدادی از این موارد در ضبط‌های متن دیده می‌شوند:

- نویسنده بنوشت: به نام خدای
خداوند روزی ده رهنمای
(۴۹۴/۴۱ - براساس تمام نسخه‌ها)

- ز حال فربرز و گودرز پیر
جز او هرکه بودند، چه برنا چه پیر
(۵۶۴/۴۶ - دیگر نسخ: پرمایه چیز)

- دل دیو بی‌دین ازین غم بخت
پراکنده می‌گشت به‌کردار مست
(۱۱۲۰/۹۳ - دیگر نسخ: می‌شد)

- گرفتند پی شوم آن آهرمن
دوان، چهره پر خاک و پر خوی تن^۲
(۱۹۵۰/۱۶۱ - براساس ل و آ؛ دیگر نسخ: گرفته)

۱. صورت دیگری از این تصحیف، در ۱۱۲۶/۹۴ دیده می‌شود که در آن کاتب آ، «همی‌شد» را «همیشه» خوانده است.
۲. درباره ضبط این بیت در بخش سپسین توضیح داده شده است.

بیت مورد بحث جمله شرط است، معنی ضبط فعلی متن استوار نمی‌نماید. بنابراین احتمالاً «دگر» تصحیف «وگر» است. حال از بین دو صورت «وگر» و «اگر»، صورت پیشنهادی نگارنده «اگر» است، زیرا نسخه اساس و نسخه‌ای غیرخوشاوند با آن از این ضبط پشتیبانی می‌کنند. ضبط واژه بعد نیز باید مطابق اکثریت نسخ «زانکه» باشد. کاربرد ادات شرط «اگر زانکه/گر زانکه» در متون کهن سابقه دارد:

اگر زانکه فردوسی این را نگفت
تو با گفته خویش گردانش جفت
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۱)

بدخونشدستی تو گرزانکه نکر دیمان
با خوی بد از اول چندان خریداری
(منوچهری دامغانی، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

باری یک شب خیال بفرست
گر زانکه تو خود همی نیایی
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۰۱۹)

آویخته نیستی ترازو
گر زانکه زبان بریده بودی
(خاقانی، ۱۳۹۳: ۸۰۳)

۲. به چهره چو گلنار و بالا چو سرو
میان تنگ و لاغر، برش چون تذرو (۳۸۶/۳۱)
ن: لاغروش و؛ متن = ب؛ ل این بیت را ندارد؛ [ضبط م معلوم نیست].

در متون شعری کهن فارسی، تذرو به رفتن و روش مشهور است. به نظر می‌رسد در این بیت نیز ضبط ن تصحیف شده است و ضبط درست این است: «میان تنگ و لاغر، روش چون تذرو».

۳. مرا نیز هنگام آسودن است
گهی روز شادی به پیمودن است (۹۶۸/۸۰)

ل: که ده روز شادی به پیموده نیست؛ ن: کرا روز
شادی پیمودنست؛ آ: که هم روز شادی به پیمودنست؛
متن = ب (پس از تصحیح «رود» به «روز»)، م.

به نظر می‌رسد «به پیمودن» تصحیف «پیمودن» است و «گهی» نیز صورت نوشتاری دیگری از «گه»، که در آن یاء جایگزین کسره اضافه است. ضبط «پیمودن» را نسخه ن و ضبط «گه»

- شب تیره زین‌گونه تا گشت روز
نشستند در آن وادی جان‌بسوز
(۱۹۸۹/۱۶۴- دیگر نسخ: نشسته)
- رسیدند و دیدند یکی مرغزار
درخت و گیا، آب سرد و شکار
(۲۰۳۰/۱۶۸- هر نسخه‌ای به شکلی عوض کرده است)
- کس آمد که در راه توران زمین
گرفتند پی‌دیوبی‌آفرین
(۲۱۹۷/۱۸۲- ن: برفته)
- رده برکشیدند ندیمان شاه
ز پیلان جنگی زمین شد سیاه
(۲۳۷۱/۱۹۶- دیگر نسخه: برکشیده)
- بیچید از آن لشکر شیروش
به یکسو برون رفت، پشت کرد خوش
(۲۶۱۳/۲۱۵- هر نسخه‌ای به شکلی عوض کرده است)
- مواردی که این صورت تنها در ل دیده می‌شود و باقی نسخ همه بر ضبطی دیگر توافق دارند، به‌تنهایی نمی‌توانند شاهدی بر اصیل بودن این صورت در متن شبرنگ‌نامه باشند؛ اما دلایل دیگری وجود دارند که نشان می‌دهند این صورت برساخته کاتب ل نیست:
- نخست آنکه در بعضی موارد، مانند مورد اول، تمام نسخه‌ها این صورت را تأیید می‌کنند؛
- دوم آنکه در مواردی، هر کدام از کاتبان به شکلی ضبط ل را تغییر داده‌اند؛ در حالی که اگر ضبط ل برساخته کاتب آن بود، علتی نداشت که چند ضبط متفاوت در نسخه‌ها وجود داشته باشد (برای مثال نک. ۶۲۸/۵۲ و ۶۶۴/۵۵ که پایین‌تر درباره آنها توضیح داده خواهد شد)؛
- سوم آنکه نسخه‌های ب و ن نیز در جاهایی این صورت را نگاه داشته‌اند، در حالی که حتی کاتب ل نیز آنها را تغییر داده است. به بعضی از این شواهد اشاره می‌کنیم:
- چو دید آنچه‌ان رستم جنگجوی
بزد رخس و آورد زی جنگ روی (۱۶۵۴/۱۳۵)
- ب: سوی جنگ؛ آ: چنگ در رخس برآورد؛ ل: دوان کرد رخس و برآورد؛ متن = ن، م.
- شب آمد جهان شادز مردم تهی
نشسته در آن جایگاه مهی (۲۵۱۱/۲۰۷)
- ب، ن، م: نشستند در آن (ب، م: «آن») بارگاه؛ متن = ل.
- این دلایل نشان می‌دهند که این صورت در متن شبرنگ‌نامه اصیل است و کاتبان نیز در برخی موارد آن را نگاه داشته‌اند. جز از مواردی که این صورت در متن هست و به آنها اشاره شد، در مواردی دیگر (مانند دو مورد بالا) مصححان این صورت را به حاشیه رانده‌اند. برای مثال:
۱. چو او بی‌سپه سوی مازندران
بتازید و بگرفت گرز گران (۴۶۷/۳۸)
- ل: بگرفت به (وزن هموار نیست)؛ ب، ن، م: یازید؛ آ: بازید؛ متن تصحیح قیاسی است (← ل).
- اینجا نیازی به تصحیح قیاسی نیست و ضبط ل درست است. نسخه‌های دیگر نیز احتمالاً به این دلیل به کل فعل را تغییر داده‌اند که مفعول «بگرفت» را در نیافته‌اند. در اینجا مفعول بی‌واسطه «مازندران» به قرینه متمم حذف شده است که در متون فارسی دست‌کم از شاهنامه تا دیوان حافظ شاهد دارد (چوبینه بهروز، ۱۳۹۴: ۵۳). مراد از بیت این است که «وقتی شبرنگ بی‌سپه سوی مازندران تازید و [مازندران را] به گرز گران بگرفت الخ» (اشاره به اینکه شبرنگ در آن زمان شاه مازندران است کمی بیشتر در ۴۵۰/۳۷-۴۵۱ دیده می‌شود).
۲. سیئم روز رفتند سوی حصار
ز باره بیبوسته بُد کارزار (۶۲۸/۵۲)
- ل: رفتند به؛ ب، ن، م: رفته به؛ متن = آ.
- معلوم است که هر کدام از نسخه‌ها به شکلی در پی اصلاح ضبط ل بوده‌اند. احتمالاً مادر نسخه ب، ن و م نخواست است حرف اضافه را بیاندازد و فعل را تغییر داده است.
۳. و زان‌پس همی‌رفت با پیلگوش
به میدان درآمد، برآورد جوش (۶۶۴/۵۵)
- ل: خروش (وزن درست نیست)؛ ن: همیدون برآورد بانگ خروش؛ آ: برآورد یکسر خروش؛ متن = ب، م.
- در بعضی ابیات دیگر نیز این صورت به حاشیه رانده شده است که برای پرهیز از اطناب تنها به جای آنها اشاره می‌کنیم:

ل، ن، م: پرخون دهن؛ ب: پرخون و پرخون دهن؛ متن = آ.

کاربرد «خوی» در وزن فاع در ضبط مختار مصححان غریب می‌نماید. در پیکره واحدهای واژگانی متون فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تنها دو شاهد از شواهد این واژه چنین کاربردی را نشان می‌دهند، یک شاهد از جهانگیرنامه:

ابسا نیزه جستند چندان نبرد
که شد هر دو را تن پر از خوی و گرد
(مادح، ۱۳۸۰: ۱۴۹)

و یک شاهد از شیرین و خسروی هاتفی:

نبود آن دجله جیحون زهرسوی
زمین را بود بر روی از عرق خوی
(هاتفی، ۱۹۷۷: ۱۵۴)

هر دوی این متن‌ها متأخر از سده ششمند و بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که «خوی» تلفظی قدیم به شکل xayy, xeyy یا xūy داشته که تنها نسخه آن را حفظ کرده است. بهتر است اینجانب همان ضبط را برگزید که تمام نسخه‌ها از آن پشتیبانی می‌کنند. امکان است «خون» را به تصحیف «خوی» خوانده باشد و واژه بعد را بر همین اساس تغییر داده باشد.

۴. بسازی مرا زین نشان‌ها خورش
و زان پس بگویی مرا سرزنش (۲۰۰۲/۱۶۵)

ب، م: نشان خوردنش؛ ل: توازین خوردنش؛ آ: زین تو پس خوردنش؛ متن = ن.

در میانه بیت ظاهراً ضبط ب و م ضبط اصیل متن است و دو نسخه دیگر، «این نشان» را نفهمیده‌اند و تغییرش داده‌اند. اما بحث اصلی ما در اینجا ضبط واژه آخر مصراع اول است. همان‌طور که پیشتر گفته شد (نک. بخش توافقی نسخه‌های غیرخویشاوند، مورد ۹)، در متن‌هایی مانند شبرنگ‌نامه وقتی از میان ضبط نادرست یا خلاف قیاسی که نسخه‌ها تأییدش می‌کنند و ضبط سرراستی که تنها در یک نسخه دیده می‌شود، دو می‌را برگزینیم، احتمالاً از آنچه شاعر در حقیقت سروده است دور می‌شویم.

۱. مصححان برای این ضبط نسخه ب را هم آورده‌اند که احتمالاً غلط مطبعی است و ب همان ضبط م را دارد.

۶۹۳/۵۸، ۹۸۷/۸۲، ۲۴۳۴/۲۰۱. ظاهراً در تمام این موارد باید ضبط ل را برگزید.

ارجحیت ضبط اکثر نسخ

در بعضی موارد، می‌بینیم که مصححان ضبطی را برگزیده‌اند که تنها یک نسخه از آن پشتیبانی می‌کند، و می‌توان عللی یافت برای آنکه کاتب آن نسخه منفرد، ضبط اکثریت نسخ را تغییر داده باشد. در این موارد، بر این اساس که ضبط اکثر نسخ مرجح است، بهتر است آن ضبط را برگزید. برای مثال:

۱. چه نازی به شمشیر و تیر و کمان
که گرزم سرآرد هم اکنون زمان (۱۷۶/۱۶)

ل، ب، م: گرزت؛ متن = ن؛ [آبیت را ندارد].

می‌بینیم که چهار نسخه که در آنها نسخه‌های غیرخویشاوند هم هستند، «گرزت» دارند. همچنین دلیلی بر گشتگی ضبط «گرزم» به «گرزت» وجود ندارد و به نظر می‌رسد کاتب نسخه ن نقش دستوری ضمیر را به درستی در نیافته است.

۲. ز بالا چو خورشید در کوه شد
ز کشته رخ پشته انبوه شد (۱۶۵۸/۱۳۶)

ب، ن، م: بر؛ آ: خور بر سر؛ متن = ل.

توافق اکثریت نسخه‌ها بر حرف اضافه «بر» نشان می‌دهد که احتمالاً ضبط اصیل همین است. ضبط «بر» همچنین قدری دشوار می‌نماید، زیرا بیت در وصف غروب است و می‌توان تصور کرد که کاتب ل گمان کرده که خورشید هنگام غروب در کوه‌ها می‌رود، نه بالای کوه‌ها. چنین کاربردی برای وصف غروب در متون فارسی کهن سابقه دارد:

چو خورشید شد بر سر کوه زرد
نماند آن زمان روزگار نبرد
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۷۲۳/۵۶/۵)

خورشید لطف بر سر کوه فنارسید
آب صفا ز جوی جهان ناپدید شد
(بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۷۷)

۳. گرفتند پی شوم آن اهرمن
دوان، چهره پر خاک و پرخوی تن (۱۹۵۰/۱۶۱)

اینجا نیز گویا شاعر به جای ساختن اسم مصدر از بن فعل (خور+ش)، اسم مصدر را با مصدر (خوردن+ش) ساخته است و کاتب نسخه‌ن این کاربرد را اصلاح کرده است. از این دست کاربردهای نادرست حاصل از قیاس، در جای دیگری از متن نیز به چشم می‌خورد که مصححان آن را هم به حاشیه برده‌اند:

بیاتامن و تو بکوشیم چند
 جهان روشن و شید برشد بلند (۲۰۰۵/۱۶۶)

ل، ب، ن، م: بسازیم؛ متن = آ.
 در اینجا نیز می‌توان گمان برد که شاعر از روی کاربردهایی چون «جنگ ساختن»، با قیاسی غلط، «ساختن» را در معنی «جنگیدن» به کار برده است و نسخه جدید آ، این کاربرد نادرست را محو کرده است.

۵. که را شور شاهیش در سر بُود
 دگر کهتری را نه درخور بود (۲۰۴۷/۱۶۹)

ل: ورا کهتری شه؛ ب، م: ورا کهتری شد؛ ن: ورا کهتری (وزن درست نیست)؛ متن = آ.

از آنجا که تمام نسخ جز آ صورتی مشابه ل دارند، احتمالاً ضبط نسخه اساس اصیل است و ضبط‌های دیگر تغییر یافته همان هستند. می‌توان گمان کرد که کاتبان در نیافته‌اند که در اینجا کسره اضافه افتاده است و تغییرش داده‌اند. ضبط ب و م البته می‌تواند تصحیف هم باشد، همان‌طور که پیش‌تر در مورد بیت ۲۲۶ صفحه ۲۷۴۲ توضیح دادیم (نک. بخش «تصحیف» از همین مقاله، مورد ۵). علت برگزیدن ضبط یکتای نسخه جدید معلوم نیست.



مصححان شبرنگ‌نامه در تصحیح این متن مهم حماسی بسیار کوشیده‌اند، نسخه‌های آن را از کتابخانه‌های مختلف گرد آورده‌اند و با گزارش دقیق نسخه‌بدل‌ها (با چشم‌پوشی از اغلاط مطبعی که وجود آنها در چاپ اول طبیعی است) متنی آراسته و قابل اعتماد از شبرنگ‌نامه به دست داده‌اند. همچنین تلاش آنها برای یافتن سراینده شبرنگ‌نامه، هر چند به نتیجه نرسیده است، اما منجر به کشف یک انتقال ادبی مهم در متون حماسی شده است. با این وجود اصول مصححان در تصحیح شبرنگ‌نامه و

شیوه تصحیح آن بر خواننده روشن نیست. نسخه‌های این متن همه جدیدند، بنابراین تصحیح آن نیازمند بررسی دقیق‌تر نسخه‌ها و تلاش برای یافتن نشانه‌هایی از ضبط‌های اصیل در آنهاست. با بررسی نسخه‌ها، می‌توان اصولی برای تصحیح شبرنگ‌نامه وضع کرد که ما را به صورت اصیل آن نزدیک‌تر کنند. توافق نسخه‌های غیرخویشاوند بر سر یک ضبط، چه در تصحیح شبرنگ‌نامه و چه در تصحیح متون دیگر، می‌تواند اصالت آن ضبط را تا حدی تأیید کند. همچنین بعضی نسخه‌ها ویژگی‌هایی دارند که بررسی‌های دقیق آن ویژگی‌ها و صورت‌های دیگرشان در نسخه‌های دیگر، می‌تواند موجب تأیید انتساب آن صورت‌ها به مؤلف شود. بی‌توجهی به این موارد سبب شده است که در جاهایی اصالت ضبط مختار مصححان محل شک باشد و ضبط دیگری بر آن مرجح بنماید. در بعضی موارد دیگر نیز مصححان ضبط دشوارتر را به حاشیه برده‌اند یا صورتی مصحف را در متن قرار داده‌اند.

منابع

- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: کتابخانه طهوری.
- بیلقانی، مجیرالدین (۱۳۵۸). دیوان. به کوشش محمدآبادی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- چوبینه بهروز، عرفان (۱۳۹۴). «برو به هرچه تو داری بخور، دریغ مخور». گزارش میراث، دوره دوم، سال نهم، شماره پنجم و ششم (پیاپی ۷۲-۷۳): ۵۰-۵۴.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۹۳). دیوان. به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۴). «نقد و بررسی متن انتقادی فرامرزنمه کوچک». نقد کتاب ادبیات، سال دوم، شماره پنجم: ۱۹-۵۸.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. با نظارت محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- سنایی، مجد و دبن آدم (۱۳۸۸). دیوان. به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. تهران: سنایی.
- شبرنگ‌نامه (۱۳۹۵). به کوشش ابوالفضل خطیبی و گابریله وان دن برگ. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

در کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت. به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. تهران: طلایه.

- منوچهری، احمدبن قوص (۱۳۸۵). دیوان. به اهتمام محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.

- هاتفی، عبدالله بن محمد (۱۹۷۷). شیرین و خسرو. به اهتمام سعدالله اسدالله یف. مسکو: اداره انتشارات دانش.

منابع دیجیتال

- نرم افزار درج ۴.
- پیکره واحدهای واژگانی متون، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

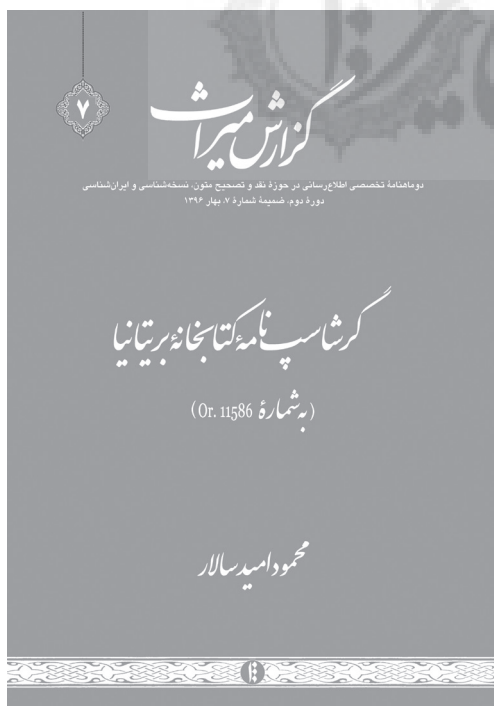
- غفوری، رضا (۱۳۹۵). «شیرنگ‌نامه و بررسی ویژگی‌های اساطیری و ادبی آن». آینه میراث، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۵۹): ۷۴-۵۳.

- فرامرنامه (۱۳۸۲). به اهتمام مجید سرمدی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق (دفترهای ششم و هفتم به ترتیب با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- _____ (۱۳۸۹). شاهنامه. نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم، محفوظ

دستنویس پاره و مخدوش هستند و متن آنها غالباً ناقص است یا به سختی خوانده می‌شود. در ضمیمه حاضر، در مقابل هر صفحه از متن خوانده شده، تصویر مربوط به آن صفحه از دستنویس یادشده به چاپ رسیده است، تا علاوه بر متن ابیات، تصویر اصل دستنویس نیز در اختیار خوانندگان قرار گیرد.



ضمیمه‌های گزارش میراث

گرشاسپ‌نامه کتابخانه بریتانیا

(به شماره Or.11586)

محمود امیدسالار

در کتابخانه بریتانیا دستنویسی از گرشاسپ‌نامه نگهداری می‌شود که برگ‌های آن پیشتر در ساختن آستر جلد کتاب دیگری استفاده شده بوده‌اند، و بر حسب تصادف کشف و از هم جدا شده‌اند. در حال حاضر ۲۳ صفحه از این دستنویس در دسترس است که ۸۲۰ بیت از ابیات گرشاسپ‌نامه را شامل می‌شود.

امیدسالار در این مقاله پس از معرفی دستنویس یادشده و بررسی ویژگی‌های رسم الخطی آن، متن این دستنویس را، پس از مقایسه با گرشاسپ‌نامه تصحیح‌شده حبیب یغمائی و با ضبط اختلافات متن یغمائی در پانویس، ارائه داده است. غالب صفحات این